

نهاد فراملیتی کشاورزی (1) ضرورت نهادشناسی در تبیین الگوی بومی پیشرفت

اسفندیار عباسی

سایت اطلاع رسانی «در خدمت اصلاح الگوی مصرف»

www.eabbassi.ir

توانا بود هر که دانا بود

فردوسی

ویرایش کوتاه تری از این گزارش با عنوان «احیای مدیریت مشارکتی برای شکوفایی اقتصادی روستاها» در اولین همایش ملی جغرافیا و برنامه ریزی توسعه روستایی (23 و 24 آذرماه 1390، دانشگاه فردوسی مشهد) جهت ارائه در افتتاحیه برگزیده شد.

www.eabbassi.ir

مقدمه

مسائل مرتبط با کشاورزی، منابع طبیعی و توسعه روستایی جهانی است. آسیب های زیست محیطی،¹ آلودگی و نابودی آب های زیرزمینی،² شوره زاری، بیابانزایی و فرسایش اراضی زراعی،³ کاهش نیروی کار در فرآیند تولید کشاورزی (و نتیجتاً تضعیف جمعیتی و تولیدی روستاها و مهاجرت میلیونی روستائینان به شهرها)،⁴ لطمه به ذخایر ژنتیکی کشاورزی،⁵ تهدید سلامت جامعه،⁶ بحران امنیت غذایی،⁷ تضعیف فرهنگ مشارکت⁸ و بهره برداری رقابتی و نابرابر از منابع طبیعی (مثل رقابت چاه داران با قنات داران در ایران)،⁹ چند نمونه از این مسائل اند. گستره عمومی این مشکلات در جهان، به رغم تفاوت های اقلیمی، جمعیتی، علمی، تاریخی، فرهنگی، دینی، و نیز میزان توسعه و استقلال سیاسی در میان ملت ها و دولت ها، حاکی از وجود علتی واحد است. این علت واحد، نهادی فراملیتی است که در اواسط قرن بیستم، با عنوان اصلاحات ارضی و انقلاب سبز، با طراحی و هدایت بنیادهای صنعتی آمریکا و با عاملیت دولت های مرکزی، در سراسر دنیا پی ریزی شد. توانایی کشورها در رفع مسائل بالا در گرو شناخت این نهاد و ساز و کار استعماری آن است.

گزارش مفصلی که پیش رو دارید حاصل پژوهش جامع است. در انجام پژوهش جامع، علاوه بر منابع اطلاعاتی رسمی، از منابع اطلاع رسانی مکمل و پایگاه های اطلاعاتی دانش بومی و تجربی نیز استفاده می شود.¹⁰ برای تدوین این گزارش بیش از 125 منبع پژوهشی، گزارشی و تحلیلی مورد بررسی قرار گرفت. لیست کامل این منابع در انتهای گزارش برای اطلاع رسانی بیشتر به اهل فن، از جمله برنامه ریزان، سیاستگذاران، مسئولین دستگاه های اجرایی، نخبگان علمی، اساتید و دانشجویان کشور آمده است. در عین حال، ارائه یافته ها، در پنج مقاله جداگانه، به گونه ای تدوین و نگاشته شده که برای مطالعه غیر متخصصین چون تولیدکنندگان و مصرف کنندگان نیز قابل استفاده باشد. متن کامل منابع این تحقیق از طریق سایت اطلاع رسانی «در خدمت اصلاح الگوی مصرف» قابل دسترس است.

به طور کلی، آنچه از انجام این پژوهش جامع به دست آمده تصویری است از نقش محوری اشاعه رفتارهای رقابتی در کشاورزی کشورها به صورتی که آحاد مردم و دولت ها طوری عمل کنند که نظام اقتصادی-سیاسی غرب از آن سود کلان برد. در ادامه مقاله حاضر (نخستین مقاله از این گزارش) در مورد نهادشناسی و بهره برداری نظام اقتصادی-سیاسی غرب از «تکنولوژی نهادسازی»¹¹ برای تشویق رفتارهای رقابتی در جوامع خواهید خواند. در آنجا توصیف می شود که چگونه با استفاده از این تکنولوژی، الگوهای رفتاری خاصی «منطقی» و موجه جلوه داده می شود، حتی اگر پیامدهای آنها، آشکارا، نامعقول و زیانبار باشد.

نهاد فراملیتی کشاورزی یکی از نهادهای ساخته و پرداخته بنیادهای صاحب نفوذ و صنعتی آمریکا است که از طریق آن، ترویج بذرهایی اصلاح شده و نهادهای شیمیایی و بهره برداری رقابتی و فرد-محور تولیدکنندگان از منابع طبیعی عمومی، منطقی جلوه داده شده و مشروعیت یافته است. از سوی دیگر، این نهاد، رقابت بین دولت ها در اجرای سیاست های کشاورزی صنعتی را توانمندی فنی و پیشرفت اقتصادی القا کرده است. این سیاست ها، که در عمل به نفع نظام سلطه و به ضرر ملت ها تمام شده اند بر باورهای غیر علمی استوارند. از جمله اهداف این سیاست ها می توان به افزایش صرفا کمی تولید کشاورزی (از طریق تخصیص یارانه به بذرهایی اصلاح شده و نهادهای شیمیایی و آبیاری مکانیزه)، متمرکز کردن منابع آب و خاک (از طریق سدسازی و یکپارچه سازی اراضی)، و اتکای بیشتر به تجارت جهانی (با گشودن مرزها به روی واردات و صادرات محصولات کشاورزی) اشاره کرد.

در مقاله دوم خواهید خواند که چگونه این رفتار رقابتی ضمن ایجاد مسایل کثیری که در ابتدای گزارش برشمردیم، به افزایش قدرت اقتصادی و سیاسی صنایع غربی مرتبط با تولید کشاورزی و تجارت مواد غذایی در جهان انجامیده است. با همکاری ناآگاهانه کشورها با نهاد فراملیتی کشاورزی، نظام اقتصادی- سیاسی غرب به دو هدف سودآور دست یافته است: (1) منابع زراعی کشورها را برای تامین کالاهای کشاورزی مورد نیاز بازارهای جهانی (به ویژه در کشورهای ثروتمند) بسیج کرده و (2) بازاری جهانی برای نهاده های زیستی، شیمیایی و صنعتی ساخت صنایع کشاورزی غرب به وجود آورده است. گویی بهره کشی از منابع طبیعی، مالی و انسانی کشورها، که در قرون گذشته به ضرب تانک و توپ و ناوگان های جنگی و مستشاران قدرت های استعماری انجام می شد، هم اکنون به وسیله القای باورهای غیر علمی، با همکاری داوطلبانه ملت ها و دولت ها در بسیاری از کشورهای دنیا، بی سر و صدا استمرار یافته است.

مقاله سوم این گزارش به توصیف و بررسی علمی باورهایی اختصاص یافته که رفتارهای رقابتی مورد حمایت نهاد فراملیتی کشاورزی، را منطقی، دانش - محور و پیشرفته جلوه می دهد و استمرار سیاست های نادرست را توجیه می کند. در این مقاله خواهید خواند که چرا استفاده از بذره های اصلاح شده نه اقتصادی است و نه ضروری، که چرا آبیاری مکرر که توسط سیستم های آبیاری مکانیزه برای کشت مقیاس وسیع امکانپذیر شده اراضی زراعی را شور می کند و اینکه چرا کشاورزی برای تولید محصولات صادراتی منجر به تعمیق وابستگی اقتصادی و سیاسی کشورها می شود.

خوشبختانه با آشکار شدن ماهیت استعماری کشاورزی شیمیایی، اندیشمندان متعهد جهان به چاره اندیشی پرداخته اند. در مقاله چهارم نمونه های موفق از تلاش های مردمی و دولتی در گوشه و کنار دنیا (کوبا، هند، ایالات متحده و ایران) گنجانده شده است. موفقیت های چشمگیر این اقدامات حاکی است که با تغییر رفتار عالمانه و هدفمند در هر سطح از برنامه ریزی و سیاستگذاری- ملی، استانی، شهری و محلی- می توان رفتارهای مشارکتی، سازنده و پایدار را جایگزین رفتارهای رقابتی، نامعقول و ویرانگر این نهاد تحمیلی نمود.

در مقاله پنجم این مجموعه، از یافته های پژوهش جامع در مورد کشاورزی شیمیایی و صنعتی جهان نتیجه گیری می کنیم. یکی اینکه این یافته ها نشان می دهد که مسایل جهانی مرتبط با کشاورزی، منابع طبیعی و توسعه روستایی را نمی توان به صورت مقطعی یا جدا از هم حل کرد چون جملگی ریشه در نهادی دارند که با نرخ سریعتر از هر گونه اقدام جبرانی، هر روزه ابعاد وسیع تری می یابد. نتیجه گیری دوم اینکه با توجه به راهکارهای نوین استعمار برای تداوم بهره کشی از منابع انسانی، مالی و طبیعی کشورها، سرنگونی حکومت های دست نشانده غرب در کشورهای ضعیف به معنی رهایی کامل از نظام سلطه نیست، بلکه برای غلبه بر روابط استعماری باید با هوشیاری انقلابی نهادهای تحمیلی را شناسایی و آنها را با نهادهای بومی جایگزین کرد. سومین نتیجه گیری اینکه با توجه به موفقیت هایی که سازمان های مردمی و دولتی در کشورهای مختلف جهان در کاهش نفوذ نهاد فراملیتی کشاورزی به دست آورده اند، با اطمینان می توان گفت که کشاورزی طبیعی، محلی و مقیاس کوچک، بهتر قادر به تامین نیازهای غذایی جوامع است ضمن اینکه اشتغال بیشتری نیز ایجاد می کند.

این پژوهش برای ما ایرانیان، به طور اخص، نیز پیام های قابل توجهی دارد: پیام اول اینکه، با پذیرش آرمان های گرانسنگی چون حرکت به سوی اصلاح الگوی مصرف و تبیین الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت (به معنی الگوی بومی پیشرفت، مناسب با ویژگی های جغرافیای طبیعی، فرهنگی و اخلاقی ایران)، ما ذخیره عظیمی از ارزش های فرهنگی چون عقلانیت، عدالت و خودباوری فرهنگی و نیز گنجینه های گراندردی از دانش بومی، دانش رسمی و استعداد در نوآوری را در اختیار داریم. با اتکا بر این ذخایر می توانیم با شجاعت و قاطعیت، رفتارهای نامعقول نهادهای وارداتی را در تولید، مصرف، برنامه ریزی و سیاستگذاری دریابیم و برای حل ریشه ای مسایل کنونی کشور اقدام مؤثر و الگو ساز کنیم.

پیام دوم اینکه، از آنجاییکه آفرینش الگویی اقتصادی برای دیگر کشورهای منطقه، در قالب سند چشم انداز بیست ساله، از اهداف ملی و راهنمای برنامه ریزی های ما قرار گرفته است، یافته های پژوهش حاضر روشن می کند که برای سنجش موفقیت های پیشرفت همراه با عدالت که الگوساز باشد، ما نیازمند به شاخص های اقتصادی بومی نیز هستیم. شاخص های اقتصادی امروز مثل تولید ناخالص داخلی¹² و ذخیره ارزی¹³ معیارهای نظام سلطه برای رصد فرصت های سرمایه گذاری در جهان و حفاظت از منافع اقتصادی اوست. این شاخص ها که بر سنجش میزان جذب، رشد و

جایجایی پول در کشورها تمرکز دارد، قابلیت سنجش ارزش هایی چون عدالت اجتماعی و هزینه های مرتبط با خسارات وارده بر منابع طبیعی و یا میزان بهبود سلامتی و آسایش در جامعه که در سند چشم انداز بیست ساله بر آنها تاکید ویژه شده است را ندارد.

پیام سوم برگرفته از یافته های این تحقیق برای اندیشمندان ایرانی این است که نهاد فراملیتی کشاورزی ظهور و استمرار خود در عرصه اقتصاد جهانی را مدیون موفقیت در اشاعه فرهنگ فردگرایی در جوامع است. درک عمیق چگونگی وارد کردن این فرهنگ رقابت فردی در جوامع از طریق نهادسازی روشن می کند که تا چه حد رفتار فرد فرد اعضای یک جامعه در شکل دهی به افکار عمومی و نتیجتاً سمت دهی به سیاستگذاری ها در آن جامعه تعیین کننده است. همانطور که چگونگی پی ریزی و ساز و کار نهاد فراملیتی کشاورزی نشان می دهد (مقاله 2)، فرد فرد جامعه مصرف کننده، تولید کننده و نخبگان و مسئولین در کشورها با هر یک از انتخاب ها و تصمیم گیری های فردی خود به نفع مصالح میهنی یا به سود منافع نظام اقتصادی - سیاسی غرب گام برمی دارند. از این منظر، هوشیارانه است که مصرف کننده ایرانی در هنگام خرید، با علم به تاثیر انتخاب وی بر سلامت فردی خویش و اقتصاد، منابع طبیعی و محیط زیست کشور، عالمانه و هدفمندانه محصول ایرانی و محلی را برگزینند.

برای تولیدکننده ایرانی نیز پسندیده تر است که بیشترین ارزش و افتخار را در ارائه بالاترین کیفیت به مصرف کنندگان هموطن خود و بهره برداری پایدار و عادلانه از منابع طبیعی کشور بیابد. از سوی دیگر، مسئولین مرتبط با کشاورزی و توسعه روستایی، آگاه از پیامدهای نامطلوب رفتارهای رقابتی در کشاورزی صادرات-محور امروز، تلاش برای ایجاد دسترس غیر متمرکز تولیدکنندگان خرد به منابع زراعی (آب و خاک) و فراهم کردن فرصت های بازاریابی و بازاریابی محصولات کشاورزی داخلی را در اولویت کار خود قرار خواهند داد. به طور کلی، با شناخت بهتر نفوذ نهادهای تحمیلی بر رفتار آحاد مردم و نتیجتاً بر افکار عمومی در جامعه، برنامه ریزان، سیاستگذاران، دانشگاهیان و نخبگان علمی نیز روشن تر خواهند دید که دستیابی به پیشرفت توأم با عدالت که سلامت، آسایش، خودکفایی و خوداتکایی ملی را فراهم می آورد و نتیجتاً صیانت از استقلال سیاسی کشور را ممکن می سازد الزاماً از جاده پویا و نوآورانه پیشرفت بومی با ایجاد نهادهای بومی می گذرد.

■ نهاد شناسی: علم پایداری الگوهای رفتاری در جامعه

قبل از بررسی موشکافانه نهاد فراملیتی کشاورزی لازم است «نهاد» را بشناسیم تا دلیل جذابیت و کارآیی استعماری این ساختار اجتماعی-فرهنگی برای نظام سلطه روشن شود. نهاد را بدینصورت تعریف کرده اند:

نهاد مجموعه ای از سَمَت ها، نقش ها، عرف، و ارزش ها است که در قالب ساختاری اجتماعی، الگوی رفتاری خاصی را برای رفع مسایلی بنیادین به منظور فراهم کردن منابع حیاتی مورد نیاز مردم، بقای نسل، و حمایت از دوام ساختارهای حیاتی جامعه در محیطی خاص دنبال می کند.¹⁴

سه ویژگی نهادها، این مجموعه های اجتماعی - فرهنگی را برای نخبگان اقتصاد سیاسی غرب که خواهان اشاعه الگوی غربی توسعه در جهان اند جذاب کرده است: یکی اینکه نهادها ماهیتا پایداری اند، یعنی وقتی نهادی در جامعه پا گرفت، ایجاد تغییر در آن دشوار است. این پایداری، مرهون ویژگی دوم نهادهاست. در نهادها، هر عضو، الگوی رفتاری خاصی را برای خود منطقی می بیند و در راستای تداوم نهاد و رسیدن به اهداف آن، این الگوی رفتاری را مجدداً دنبال می کند. الگوی رفتاری خاص هر عضو بر اساس ویژگی سوم نهادها، که همان فهم مشترک اعضا از سَمَت ها، نقش ها، عرف و ارزش های آن است، شکل می گیرد و هر عضو را در ایفای نقش خود در مقام یا جایگاهی که دارد ثابت قدم می کند.

نهادها بسیار متنوع اند و نهادهای اجتماعی (مثل خانواده، روستا و شهر) و نهادهای اداری (مثل شرکت ها، ادارات دولتی و مؤسسات آموزشی) از نمونه های آشنای آنها هستند. از لحاظ اصلیت نیز نهادها طیف وسیعی از نهادهای کاملاً بومی از یک سو و نهادهای کاملاً وارداتی از سوی دیگر را شامل می شوند. نهادهای بومی برخاسته از تعامل مردم با هم و تطبیق این تعاملات در چارچوب ویژگی های جغرافیایی یک سرزمین است که در طی زمان تکامل یافته اند. اما نهادهای وارداتی، مثل انواع نهادهای اداری امروز، عمدتاً برخاسته از فرهنگ غرب و اساساً غیر بومی اند.

برای تبیین ویژگی های نهادی، و تاثیر رفتاری آنها بر افراد، دو مثال بیاوریم: مطمئناً برای غالب خوانندگان، نهاد خانواده (مثالی از نهادهای بومی) و نهاد کلان شهر (نمونه ای از نهادهای وارداتی) تجاری ملموس اند. خانواده کانون فداکاری و تلاش فوق العاده والدین در رویارویی با انواع

مشکلات است. دوام خانواده ریشه در اعتقاد اعضای اصلی این نهاد، یعنی پدر و مادر، به سمت ها، نقش ها و باورهای ارزشی ایشان دارد. مسلماً تضعیف این باورها و تعطیل الگوهای رفتاری مادر و پدر، به تزلزل نهاد خانواده و بروز ناهنجاری در رشد و تربیت فرزندان می انجامد. لذا به رغم جمیع دشواری های فرزندداری، پدر و مادر بر ادامه رفتار خود پافشاری می کنند و رفتاری غیر از آن را منطقی نمی دانند.

در نهاد شهر مدرن نیز پیروی مجدانه از الگوهای رفتاری خاص دیده می شود. ماهیت نهادی شهرهای امروز باعث شده که به رغم آگاهی عموم مردم و مسئولین از فاجعه آلودگی هوا و دلیل اصلی آن (یعنی کثرت حمل و نقل با خودروهای شخصی) و همچنین افزایش تلفات جانی و مالی ناشی از آلودگی محیطی و تصادفات، و هزینه های هنگفت خرید و نگهداری خودرو شخصی (مثل اتلاف روزانه چندین ساعت در ترافیک، تعمیرات و قطعات یدکی، وام خودرو، بیمه و سوخت)، اعضای این نهاد رفتار غیر معقول خود را منطقی و طبق روال تلقی کنند. کما اینکه شاهدیم هر ساله شهروندان بیشتری خودرو می خرند؛ صنایع خودروسازی تعداد بیشتر و مدل های متنوع تری می سازند؛ بانک ها با عرضه وام، خرید خودرو را آسان تر می کنند؛ و برنامه ریزان و مدیران شهری با تعریض معابر و احداث جاده های جدید، پارکینگ ها و فضای سبز کنار بزرگراه ها، راندن خودرو را جذاب تر می کنند.

هر یک از این گروه های کنشگر در نهاد کلان شهر، نقش و عملکرد خود را بر اساس ارزش هایی که در این نهاد به طور مشترک مورد قبول آنان است منطقی می بیند و بدون توجه به فرآیند هولناک تخریب اجتماعی و زیست محیطی، به رفتار نامعقول خود ادامه می دهد. همانطور که در قسمت های بعدی این گزارش خواهد آمد، تضادی مشابه بین عملکرد معقول و منطقی در نظام کشاورزی کنونی جهان نیز قابل رویت است که حاکی از ماهیت نهادی آن نظام است. اما قبل از پرداختن به جزئیات نهاد فراملیتی کشاورزی، سودمند است که در اینجا چند نکته نظری در مورد نهادشناسی را با هم مرور کنیم.

آنتونی گیدنز از پرنفوذترین اندیشمندان غربی در علم نهادشناسی است. تئوری «استراکچریشین» (ساختارشناسی) وی تأثیری عمیق در گسترش استفاده ابزاری از نهادشناسی در اشاعه الگوی غربی توسعه داشته است. قبل از وی، اندیشمندان این حوزه بر تقدم تأثیر ساختارهای اجتماعی بر رفتار

آدمی تاکید داشتند، با این نتیجه گیری که ساختارهای اجتماعی تأثیری سرنوشت گونه بر افراد دارند چون رفتاری که برای فرد منطقی است توسط ساختاری که در آن فعالیت می کند تعریف شده و وی رفتاری غیر از آن را نمی تواند تصور کند. اما گیدنز تأثیر این دو، یعنی ساختارهای اجتماعی و فرد را متقابل توصیف کرد، با این نتیجه گیری که اگر چه ساختارها تداوم رفتاری خاص در اشخاص را الزامی می کنند اما تغییر در رفتار افراد نیز می تواند ساختارها را از درون دگرگون کند و به ایجاد ساختارهای جدید بینجامد. او توضیح می دهد که با ایجاد تغییر در شرایط زمانی و مکانی، وضع قوانین و مقررات جدید یا فراهم کردن هدفمند برخی منابع و امکانات می توان به تغییر در رفتار افراد در جامعه دامن زد و زمینه را برای ساختارسازی جدید فراهم نمود.

نظر دیگر گیدنز در مورد ساختارهای اجتماعی این است که چنانچه باور خاصی به طور گسترده در جامعه ای گسترش یابد، این «دانش مشترک» حتی اگر نادرست باشد، رفتار افراد را منطقی جلوه خواهد داد، حتی اگر پیامدهای اینگونه رفتار از لحاظ عقلانی («عقل سلیم») دارای اشکال باشد.¹⁵ به بیان دیگر، باور عامه مردم به «منطقی» بودن رفتاری خاص، موجب می شود که پیامدهای نامعقول رفتار جمعی ایشان مورد پرسش، ریشه یابی و اصلاح قرار نگیرد و دشواری های به وجود آمده صرفاً تحمل شود.

در میان نخبگان اقتصاد سیاسی آمریکا، ایجاد تغییرات نهادی به منظور دامن زدن به تغییر رفتار افراد یک جامعه به منظور مستقر کردن ساختارهای اجتماعی مطلوب غرب، موضوعی کاملاً شناخته شده است. در متون منتشر شده در این باب صراحتاً به ماهیت و انگیزه های اقتصادی-سیاسی استفاده ابزاری غرب از تکنولوژی نهادسازی اشاره شده است.¹⁶ دیوید کورتن، نویسنده کتاب «زمانی که شرکت های فراملیتی زمام امور دنیا را به دست می گیرند»،¹⁷ از اقتصاددانان برجسته غرب با سابقه کار در بنیاد صنعتی فورد،¹⁸ و آژانس توسعه بین المللی ایالات متحده¹⁹ است. وی که سابقه تدریس در دانشگاه هاروارد را نیز در پرونده کاری خود دارد، در اشاره به استفاده ابزاری از ساختارسازی نهادی می نویسد:

اگر چه مرا غالباً اقتصاددان می پندارند، اما من اقتصاد را از نگاه یک طراح سیستم های سازمانی می نگرم. زمانی که در هاروارد تدریس می کردم، به دانشجویانم هنر هدایت ارتباط انسانی از طریق ساختارسازی به منظور دستیابی به راندمان بهتر و سود بالاتر در شرکت های بزرگ را می آموختم...

این هنر، مهارت های گوناگونی را شامل می شود، مثل مهارت ایجاد انگیزه مطلوب در افراد و گروه ها، تغییر فرهنگ محیط کار، وضع مقررات مساعد، کنترل تبادل اطلاعات بین افراد و چندی دیگر از راهکارهای مدیریتی... اما همین ابزار فکری را می توان در طراحی ساختارهای نهادی برای ایجاد تغییر [دلخواه] در جوامع نیز به کار گرفت، یعنی می توان به منظور ایجاد تمرکز قدرت و ثروت در دست یک اقلیت، یا به عکس، به قصد فراهم کردن زمینه مناسب برای مشارکت مردمی در تصمیم گیری ها، بهبود عدالت اجتماعی و تامین آسایش عمومی مردم، ساختارسازی کرد.²⁰

هاجون چنگ، استاد دانشگاه کمبریج، مشاور بانک جهانی²¹ و بانک توسعه آسیایی²² و نویسنده چندین کتاب در حوزه اقتصاد توسعه و اقتصاد نهادی،²³ نیز شخصیت دیگری از نخبگان برجسته آمریکایی است که در مورد استفاده ابزاری از نهادسازی برای پیشبرد توسعه از نوع غربی آن در جهان قلم زده است. وی معتقد است که استفاده از تکنولوژی نهادسازی در کشورها اساساً فعالیتی است سیاسی، که طبعاً با مخالفت هایی در جامعه دریافت کننده روبرو می شود. توصیه کارشناسی وی برای کاستن از احتمال هرگونه مقاومت این است که نهادهای غربی را از ابتدای کار، کامل و ساخته و پرداخته، به این کشورها صادر نکنند بلکه اصلاح نهادی را با معرفی یک تغییر اقتصادی ظاهراً سودمند شروع کنند تا سپس برای تامین نیازمندی های مرتبط با این تغییر، اجزای تشکیل دهنده نهاد مورد نظر به تدریج مستقر گردد. چنگ تاکید دارد که برای از میان بردن احتمال بروز هر گونه مقاومت از سوی دولت و مردم در کشورهای دریافت کننده نهاد، لازم است که وانمود شود که نهاد مورد نظر، به تدریج و گویی خود به خود و با اراده دولت و خواست مردم شکل گرفته است.²⁴ برخی دیگر از صاحب نظران این حوزه، انتقال هدفمند یک تکنولوژی را سرآغاز بی سر و صدای یک تغییر نهادی عمیق در جوامع هدف می دانند.²⁵

متن کامل این گزارش پژوهش جامع طی چندین شماره در ماهنامه سنبله، از شماره 220، خرداد ماه 1391، به چاپ خواهد رسید. برای دریافت متن اصلی منابع مورد استناد این گزارش و یا انجام پژوهش جامع در حوزه علمی مورد علاقه خود با ما تماس بگیرید.

www.eabbassi.ir